

یادکردن از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی

محمد الوانسان خویی

شاید در بین فقها و دانشمندان اسلامی کمتر کسی پیدا شود که در کنار فعالیت‌های علمی، فرهنگی و تهذیب نفس در کارهای هنری نظیر خطاطی، کنده‌کاری، تهذیب‌کاری و نقاشی دستی توانا داشته باشد. یکی از این دانشمندان بزرگ عرصه علم و هنر، زنده یاد آیت‌الله توحیدی است. آثار هنری، فقهی و علمی بر جای مانده از آیت‌الله توحیدی میراث بزرگی است برای آیندگان؛ باشد که با حفظ و نگهداری صحیح و استفاده بهینه از آنها دینشان را نسبت به بزرگان این مرز و بوم ادا نمایند. ضمن سپاس فراوان از دوست عزیزم آقای علیرضا حسین زاده که تصاویر بسیار قشنگی از آثار هنری آن مرحوم را در اختیار ما قرار دادند، شمه‌ای از حالات علمی، دینی و برخی از مشاهدات و شنیده‌های خود را از ایشان ارائه می‌دهم، باشد که مقبول افتد.

آیت‌الله آقای حاج شیخ رضا توحیدی نجفی تبریزی فرزند حاج محمدعلی در ۱۰ تیر ماه ۱۲۹۷ ش در تبریز به دنیا آمد. ایشان در زندگی نامه‌اش که به درخواست نگارنده تحریر نموده در مورد ولادت، پدر و تحصیلات خویش چنین می‌نویسد:

نگارنده (رضا توحیدی) در سال ۱۳۳۲ هجری قمری در شهر تبریز در پرتو شعاع عنایت حضرت ثامن الحجج _ صلوات الله علیه _ و در ظل حمایت مولانا و صاحبنا حضرت حجة ابن الحسن (عج) دیده به جهان گشوده و در خانواده متدین و معتقد به ولایت کبرای مولای الموحدين امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) و در مهد تربیت پدر بزرگوارم فخر الحاج والتجار آقای حاج محمدعلی بن الحاج عبدالحسین بن حاج محمدحسین _ تغمده الله برحمته _ که یکی از تجار محترم تبریز و شخصیت بسیار والا و دارای عقلی وافی



آیت‌الله حاج شیخ رضا
توحیدی نجفی

و اراده‌ی قوی و رأی صائب و مصلح بر کافه‌ی مردم بود، تربیت شدم. مرحوم پدرم در عین حال که در سلک تجار و بازاری بود اوقات فراغشان با مطالعه کتب تاریخ و علوم دینی و مذهبی به سر می‌بردند و با حضرت آیت‌الله العظمی آقا میرزا صادق مجتهد تبریزی _ قدس سره _ هم جلیس و ارتباط خانوادگی داشتند. اغلب اوقات فراغتی را در محضر معظم له یا آن بزرگوار در منزل ما تشریف داشتند لیک هزار حیف که اقتضای حکمت الهی چنین بود که زودتر به رحمت ایزدی پیوندد. در هشت سالگی پدرم را از دست داده از مزایای عقلانی و اخلاقی ایشان برخوردار نباشم و لیکن خداوند مهربان‌تر از پدر و مادر چه بسیار از یتیمان را که تربیت نکرده باشد. این بنده‌ی ناچیز با پسر عمومی نسبی سببی مرحوم حاج حسن آقا برادران حامدی که دامادمان بود، دوران جوانی را پس از تحصیلات کلاسی در مدرسه‌ی ملی معروف به «العلم» که به نظارت علماء گرام اداره می‌شد تا

حدود متوسطه «هشتم و نهم» خواندم و ضمناً مقدمات علوم عربی صرف و نحو و مکالمه‌ی عربی را استفاده کرده پس از ترک تحصیلات با پسر عمویم برادران حامدی مشغول دادوستد بوده و در سال ۱۳۱۷ شمسی وارد خدمت سربازی گردیدم و چون قسمتی با داروهای گیاهی و جوهریات آشنا بودم به درخواست بعضی دکترها و سرپرست بیمارستان خدمت ما را انتقال به بیمارستان دادند مدت ۲۱ ماه در بیمارستان به سمت پزشکیاری ادامه‌ی خدمت نموده در نتیجه به دریافت گواهی مختصر پزشکیاری نائل آمدم.

پس از خاتمه‌ی خدمت به طور جدی و اصرار خواستار استخدام با درجه و حقوق شدند قبول نکرده بیرون آمدم. بعد با توفیق خداوندی و تشویق یکی از اساتیدمان حضرت آیت‌الله آقای حاج سید اسماعیل سجادی _ قدس سره _ به ادامه‌ی تحصیل علوم دینی اقدام نموده و دوره‌ی مقدمات را طی منطق و معانی بیان و قسمتی از لمعتین را در محضر آیت‌الله فاضل دامبرانی که در زهد و ورع و شهرت به سزایی داشت خواندم و از محضر حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید عبدالله کماری شرایح را استفاده نمودم و از محضر حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل سجادی قسمتی از رسائل و مکاسب استفاده نمودم.

در سال ۱۳۶۳ق با تشویق استاد معظم حضرت آیت‌الله سجادی به آستان بوسی صاحب ولایت کبری مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب _ علیه آلاف التحية و الثناء _ مشرف شده و حدود بیست و پنج سال از محضر پر فیض حضرات آیات عظام و اساتید گرام سطحاً و خارجاً استفاده نمودم.

معظم له در خصوص عزیمت به نجف اشرف می‌نویسد:

هنگامی که عازم مهاجرت به نجف اشرف می‌شدیم قبلاً به آستان بوسی حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا _ علیه السلام _ مشرف شدم. آیت‌الله العظمی حاج میرزا حبیب‌الله ملکی تبریزی (از عموزادگان آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی) که در مشهد ساکن بودند اصرار فرمودند در مشهد بمانم. عرض کردم: تصمیم به نجف اشرف است. بنا به استخاره شد، معظم له استخاره کردند این آیه آمد: «و



نادینه من جانب الطور الایمن و قربانه نجیا» (سورهٔ مریم، آیهٔ ۵۲)

آیت‌الله توحیدی پس از استقرار در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف به تکمیل دروس ناقصی خود پرداخت و لذا بقیه‌ی رسائل و مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج میرزا احمد اهری و کفایهٔ الاصول آیت‌الله حاج میرزا باقر نعیمی معروف به «خرز تبریزی» و قسمتی از معارف را از محضر آیت‌الله حاج میرزا محمدعلی اردبیلی به خوبی آموخت و سپس با اجازه و تأیید استادش آیت‌الله اهری در دروس خارج فقه و اصول بزرگان و اساطین نجف اشرف حاضر گردید و از محضر آنها فیض برد.

اساتید دوره‌ی خارج ایشان چنین است:

۱- آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم موسوی خوبی؛ ایشان دو دوره‌ی اصول را در محضر ایشان به تلمذ پرداخته و مورد توجه استادش بوده است.

۲- آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی؛ وی یک دوره اصول و تقریرات آیت‌الله نائینی اعم از (مباحث الفاظ و عقلیه)، خارج مکاسب از اول مکاسب محرمه تا آخر مکاسب ابواب قضاء و ... و نماز جمعه را از ایشان فیض برده است.

۳- آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی؛ او خارج صلاةٔ آیت‌الله حاج آقا رضا همدانی، حج و اجاره‌ی عروه را از آیت‌الله شاهرودی استفاده نموده است.

۴- آیت‌الله حاج سید محسن حکیم؛ وی قسمتی از فقه را از ایشان استفاده کرده است.

۵- آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی؛ ایشان دروس خارج «لباس مشکوک» را از درس وی استفاده نموده است.

۶- آیت‌الله حاج سید محمد هادی میلانی؛ وی قسمت زیادی از فقه، اخلاق و معارف را در حوزه‌های علمیهٔ نجف و کربلا از این استاد استفاده کرده است.

۷- آیت‌الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به «آقا میرزا»؛

۸- آیت‌الله حاج سید حسین خمami معروف به «خمami»؛

آیت‌الله توحیدی از چند نفر از استادان و فرهیختگان حوزه‌های علمیه‌ی نجف اشرف، مشهد، قم و تبریز اجازات روایی و ... دریافت نموده که به ترتیب حروف الفباء اسامی آنها بدین قرار است:

حاج سید ابوالقاسم موسوی خوبی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، حاج سید کاظم شریعتمداری، حاج سید محسن حکیم، حاج سید محمد روحانی، حاج سید محمد هادی میلانی، حاج سید محمود شاهرودی، حاج

یادکردی از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی/ محمد الوانساز خویی

میرزا حبیب‌الله ملکی تبریزی.

خود وی نیز به چند نفر از اعلام و افاضل حوزه نیز اجازه نقل حدیث داده است. اسامی برخی از آنها چنین است:

- ۱- حاج میرزا محمد دینوری.
 - ۲- حاج سید محمد تقی قاضی طباطبایی.
 - ۳- محمد الوانساز خویی (نگارنده سطور).
- آثار قلمی و علمی آیت‌الله حاج شیخ رضا توحیدی که بیشتر در موضوعات فقه، اصول، تفسیر، حدیث و کلام دور می‌زند، متأسفانه به زیور چاپ آراسته نشده و تنها اثری که از ایشان چاپ گردیده کتاب «القرآن والحجّة» می‌باشد که در اواخر عمر شریف ایشان به چاپ رسید. فهرست تألیفات او چنین است:
- ۱- اللّٰهالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره (خطی): کتابی است در تفسیر سوره های فاتحه‌الکتاب تا آخر سوره الرحمن، الواقعه، الحديد، المجادلة، ق و فجر.
 - ۲- نفحة القدیر فی شرح خطبة الغدیر (خطی)، ۲ جلد؛ این کتاب حاوی یک مقدمه و پنج اصل (توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد) و خاتمه است.
 - ۳- القرآن والحجّة؛ کتابی است در مشترکات کلام الهی و حضرت ولی عصر آخرین حجت الهی (عج). این کتاب برای بار اول با عنوان یاد شده در پاییز سال ۱۳۸۲ش منتشر گردید و برای دومین بار در پاییز سال ۱۳۸۴ش همراه با اضافات و رفع نواقص با نام قرآن و آخرین حجت از سوی انتشارات سیمای آفتاب در شهر مقدس قم به چاپ رسید.
 - ۴- الربعیات (خطی)،
 - ۵- الدرسات الدینیة (خطی)،
 - ۶- تقریرات دروس فقهی و اصولی آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی (خطی)،
 - ۷- تقریرات دروس فقهی و اصولی آیت‌الله سید محمود شاهرودی (خطی)،
 - ۸- تقریرات دروس فقهی و اصولی آیت‌الله شیخ حسین حلی (خطی)،
 - ۹- شرح حدیث اهلبلججه (خطی).





۱۰- مقاله‌ای تحت عنوان *پرتوی از انوار امام عصر ارواحنا فداه* مندرج در مجله‌ی *پیدای پنهان* ویژه نامه‌ی نیمه‌ی شعبان مسجد آیت‌الله انگجی، صص ۲۳ - ۳۳.

وی پس از استقرار در کنار مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در دروس اساتید حوزه حاضر گردید و در کنار آن به تهذیب نفس و تصفیه‌ی درونی پرداخت و در این رهگذر همگام و همراه با عالم ربانی مرحوم حاج شیخ محمد کوفی در مسجد سهله به بیتوته پرداخت و جان و دل خویش را با یاد و نام محبوب آرام ساخت. ایشان در مقاله‌ای در خصوص امکان تشریف به حضور امام زمان (عج) در زمان غیبت نوشته، به این موضوع اشاره کرده و می‌نویسد:

از جمله کسانی که در عصر ما چه در خواب و چه در ظاهر شرفیاب حضور امام زمان (عج) شده‌اند، مرحوم مغفور جناب حاج شیخ محمد کوفی است که مرد عابد و زاهد و خودساخته‌ای بود و قبلاً ساکن نجف اشرف و بعداً به مقتضای تقوا و ورعی که داشتند و حفظ رعایت احترام امیرالمؤمنین (ع) بنا به فرموده‌ی خود به شهر کوفه انتقال یافته و تا آخر عمر در آنجا بودند. شب‌های چهارشنبه را معمولاً به مسجد سهله می‌آمدند و گاهی هم با همدیگر بیتوته می‌کردیم و شب‌های جمعه را به کربلاء یا نجف اشرف مشرف می‌شدند و در حجره یا منزل سرافرازمان می‌نمودند و علاوه عقد اخوت نیز با همدیگر داشتیم... («کعبه‌ی مقصود» ویژه نامه‌ی نیمه‌ی شعبان ۱۴۱۷ق مسجد آیت‌الله انگجی تبریز، ص ۳۱).

آیت‌الله توحیدی پس از ۲۵ سال اقامت در کشور عراق و استفاده از استادان زبردست حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف به تبریز آمد و در خیابان نادری، اول کوچه باغ، بن بست آیت‌الله توحیدی سکونت نمود. وی در این باره می‌نویسد:

در سال ۴۸ شمسی موقع اخراج ایرانیان حقیر هم در اثر حادثه‌ی چشم فرزندم محمدحسین توحیدی برای معالجه به ایران آمده، مشغول معالجه شدید ناچار ایران و تهران و شیراز حتی اروپا و لندن نیز کشیده شدیم بحمدالله والمنة نتیجه‌ی خوب گرفتیم از آن تاریخ تا به حال، که سی و پنج سال است، تا وقوع انقلاب اسلامی در تبریز هستیم.

ایشان بیش از شصت سال در دو سنگر محراب و منبر چونان سربازی فداکار و مخلص در جهت هدایت و تعلیم و تربیت مردم مسلمان تبریز و نجف قدم برداشت، به گونه‌ای که بعد از بازگشت از نجف اشرف ظهرها

یادکردی از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی/ محمد الواساز خوبی



در مسجد آیت‌الله بادکوبه‌ای واقع در خیابان دارایی ابتدای بازار کفاشان و شب‌ها در مسجد توحید واقع در محله‌ی قره آعاج به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت و بعد از اقامه‌ی نماز با قرائت یک حدیث اخلاقی و یا آیه‌ای از قرآن کریم، به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با بیاناتی شیرین و توأم با اخلاص و محبت انجام وظیفه می‌نمود.

آیت‌الله توحیدی قبل از مراجعت به زادگاه خود مدت‌ها در یکی از مساجد نجف اشرف مشغول نماز جماعت و تبلیغات دینی بوده که خود ایشان در این زمینه برای نگارنده چنین مرقوم داشته است:

مدت شانزده سال در یکی از مساجد محلات نجف اشرف با امر مبارک و تأیید حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی _ قدس سره _ مشغول اقامه‌ی نماز و تبلیغ احکام و تعلیم اصول عقاید و مسائل شرعیه بودم و این موضوع یک سنت حسنه و نفعه‌ی الهی بود که به دست حقیر ناچیز انجام یافت چون در منابر عرب‌ها، مسأله گفتن مرسوم نبود و بعداً وعظ و منبری‌های عرب‌ها نیز به گفتن مسائل اشتیاق پیدا کردند.

ایشان پس از استقرار در تبریز از سال ۱۳۴۹ ش شروع به تدریس خارج فقه مکاسب و ... نمود که متأسفانه جلسات درسی ایشان در سال ۱۳۵۶ ش به علت سکتة قلبی و مخالفت پزشکان معالج با تدریس و تحقیق ایشان، به تعطیلی کشیده شد.

آیت‌الله توحیدی مرد خدا بود و به اولیای الهی هم عشق می‌ورزید و هر وقت در محفلی که ایشان تشریف داشت سخن از پیامبر و خاندان مطهر ایشان به میان می‌آمد، اشک از دیدگانش جاری می‌گردید و یک صفای به خصوصی به مجلس می‌بخشید.

در این میان به حجت بالغه‌ی الهی حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عج) عشق و علاقه‌ی وافری داشت و حقیر بارها دیده بودم که هر وقت اسم مبارک آن امام همام را بر زبان جاری می‌ساختند، به گریه می‌افتادند و در دعاهای خود که بعد از نمازهای جماعت و با حضور نمازگذاران انجام می‌شد می‌فرمود: خداوندا ما را صدقه سر وجود نازنین امام زمان (ع) قرار ده.

او عاشق و شیفته‌ی نجف اشرف بود و هر وقت صحبت از امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) و خاک پاک نجف اشرف به میان می‌آمد، اشک در جشمان مبارکش حلقه می‌زد و با صدای گرفته و حزن‌انگیزی به صحبت خویش ادامه می‌داد. خوب به یاد دارم در اوایل ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی تبریز که به محضر شریف ایشان نائل آمدم، سؤال از سن مبارک ایشان به میان آمد در جواب فرمود: بنده بیست و پنج سال دارم. حاضرین تعجب کردند. در جواب فرمود: عمر آن بود که در محضر امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) سپری شد (اشاره به مدت سال‌های اقامت معظم له در نجف اشرف).

یادکردی از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی / محمد الوان‌ساز خوبی



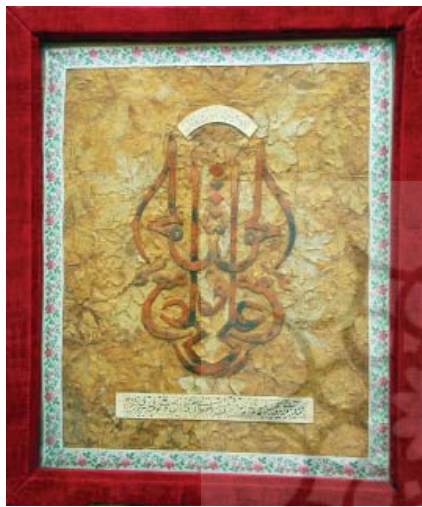
پیام بهارستان / ۳، ۳، ش ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

یادکردی از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی / محمد الواساز خویی



پیام بهارستان / ۲۰، س ۳، ش ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

یادکردی از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی / محمد الوان‌ساز خوبی



پیام بهارستان / ۳، ۳، ش ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

یادکردی از فقیه هنرمند، آیت‌الله توحیدی / محمد الوان‌ساز خویی



پیام بهارستان / د، ۳، ش، ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰